

1. هزار جان مقدس فدای تیغ تو باد / که در گشایش دلها عجب دمی دارد: الف) دم ایهام دارد و به 3 معنی آمده است: 1. 2. 3. ، ب) چه صنعت دیگری در بیت هست؟
 2. هر سر موی تو از غفلت به راهی می‌رود / جمع کن پیش از گذشتن کاروان خویش را: منظور از کاروان چیست؟
 3. دلت ای غنچه محال است سبکبار شود / تا نریزی ز بغل این زر اندوخته را: منظور از زر اندوخته چیست؟
 4. از این گشاده جبینان ثبات عیش مجو / که گل دهند به خروار و یک ثمر ندهند: گشاده جبینان کیستند؟
 5. ز فرق تا قدمش هر کجا که می‌نگرم / کرشمه دامن دل می‌کشد که جا اینجاست: صنعت بیت را توضیح دهید!
 6. مردم ز رشک چند ببینم که جام می / لب بر لب‌ت گذارد و قالب تهی کند: منظور از قالب تهی کند چیست؟
 7. جنون از داغ رسوایی چو آرید گلستانم / ننگ‌جدا چاک از شادی در آغوش گریبانم: الف) چه صنعتی دارد؟ ب) منظور از مصرع دوم چیست؟
 8. غمهای مرده در دل من زنده کرد هجر / گویا شب فراق تو روز قیامت است: الف) نهاد مصرع نخست چیست؟ ب) تشبیه بیت را توضیح دهید!
 9. در حیرت از شکستگی شیشه دلم / با آن که هرگز از کف خوبان رها نشد: حیرت شاعر از چیست؟
 10. ز شوق وصل تو خمیازه در دهان دارم / چو گل شراب به داد خمار من نرسد: منظور از خمیازه چیست؟
 11. با دامن تر شدم به محشر / گفتند در آفتاب بنشین: منظور از مصرع دوم چیست؟
 12. از چرخ بی‌مذلت حاجت روا نگرود / تا آبرو نریزی این آسیا نگرود: منظور از آسیا چیست؟
 13. بگذشت عمر و موی سفیدی بجا گذاشت / خاکستری ز قافله‌ای یادگار ماند: منظور از خاکستر و قافله چیست؟
 14. دارم دو هزار دشنه چون بید / در کشتن خود جگر ندارم: منظور از دشنه چیست؟
 15. هست چهل سال که می‌پوشمش / کهنه نشد جامه‌عریانی ام: الف) چه صنعتی دارد؟ ب) مفهوم کلی بیت چیست؟
 16. ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم / اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است: منظور از کهنه کتاب چیست؟
 17. ناخن به جگر چند زخم آه که عشقت / سازی به کفم داد که نواخته بودم: شاعر از چه سازی سخن می‌گوید؟
 18. چشم توام ز هوش تهی دست می‌کند / یک سرمه دان شراب مرا مست می‌کند: 3 صنعت دارد، هر سه را توضیح دهید!
- درباره بیت: «نیست از زخم زبان پروا دل بی‌تاب را / مانع از گردش نگرود خار و خس گرداب را»، کدام گزینه غلط است؟
- (1) دل بی‌تاب از زخم زبان پروایی ندارد. O (2) خار و خس مانع از گردش گرداب نمی‌شود. O
 - (3) دل بی‌تاب مثل زخم زبان است. O (4) زخم زبان مثل خار و خس است. O

* در کدام بیت تلمیح دیده نمی‌شود؟

- (1) زان خرمن گل حاصل ما دامن چیده است / زان سیب ذقن قسمت ما دست بریده است. O
- (2) چون خضر شود سبز به هر جا که نهد پای / هر سوخته جانی که عقیق تو مکیده است. O
- (3) در مقامی که ضعیفان کمر کین بندند / آه اگر مور به فریاد سلیمان نرسد! O
- (4) عمری است خیر از دل و دلدار ندارم / با شیشه پریزاد من از دست بریده است. O

* در کدام بیت طنز دیده می‌شود؟

- (1) از فضولیهای خود صائب خجالت می‌کشم / من که باشم تا کنم تلقین که رحمت کن مرا O
- (2) یک بار بی‌خبر به شبستان من درآ / چون بوی گل نهفته به این انجمن درآ O
- (3) گفتگوی پوچ ناصح را نمی‌دانم که چیست / آنقدر دانم که جای پنبه در گوشم تهی است O
- (4) از برای امتحان چندی مرا دیوانه کن / گر به از مجنون نباشم باز عاقل کن مرا O

* مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (1) وقت خوشی چو روی دهد مغتنم شمار / دایم نسیم مصر به کنعان نمی‌رسد O
- (2) همیشه رود با خود میوه غلتان نخواهد داشت / به دست آور اناری را که از دست تو خواهد رفت O
- (3) از خیالت در دل شبها اگر غافل شوم / تا قیامت سنگسار از خواب غفلت کن مرا O
- (4) هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار / کس را وقوف نیست که انجام کار چیست O

* «وادی سرگشتگی در من نفس نگذاشته است / پای خواب آلوده دامن منزل کن مرا!»، مصرع دوم

یعنی:

(1) مرا زمین‌گیر و گرفتار کن! O (2) مرا از سرگشتگی رها کن! O

(3) مرا به خواب ابدی فرو ببر! O (4) مرا دست به دامن منزل یار کن! O

* «گریبان» در کدام گزینه در مفهومی متفاوت با بقیه به کار رفته است؟

- (1) همچو گل یک‌چند خندیدیم در گلشن بس است / مدتی هم غنچه‌سان سر در گریبان می‌بریم O
- (2) خوش آن که از دو جهان گوشه غمی دارد / همیشه سر به گریبان ماتی دارد O
- (3) آن که از دامن او دست مرا کوتاه کرد / دارم امید که دستش به گریبان نرسد O
- (4) هر چند صبح عید ز دل زنگ می‌برد / صائب به فیض چاک گریبان نمی‌رسد O

* در کدام بیت ابهام دیده نمی‌شود؟

- (1) نبض دل بی‌تابان زین دست نمی‌جنبد / این موج سبک‌جولان دریای دگر دارد O
- (2) هزار جان مقدس فدای تیغ تو باد / که در گشایش دلها عجب دمی دارد! O
- (3) ما را ز شب وصل چه حاصل که تو از ناز / تا بند قبا باز کنی صبح دمیده است O
- (4) شعله شوق من از پا ننشیند صائب / تا دل تشنه به آن چاه زرخدان نرسد O

* «از سنگ بود بی‌ثمري دست حمایت / آسوده درختی که ثمر هیچ ندارد»، یعنی:

(1) بی‌ثمري از سنگ حمایت می‌کند. O

(2) بی‌ثمري حامی درخت در برابر سنگ است. O

(3) دست حمایت درخت موجب آسودگی سنگ است. O

(4) سنگ هم مثل درخت بی‌ثمر از آسیب در امان است. O

* درباره بیت: «کام محیط را نکند تلخ آب شور / تأثیر نیست در دل عشاق پند را»، کدام گزینه درست

نیست؟

(1) مصرع اول تمثیل است برای مصرع دوم. O (2) دل عشاق به محیط تشبیه شده است. O

(3) آب شور کام کسی را تلخ نمی‌کند. O (4) پند به آب شور تشبیه شده است. O

* مفهوم کدام گزینه با بقیه ناهمگون است؟

- 1) کو سرو قامتی که دل من ز جا برد / زنگ از دلم به یک نگه آشنا برد O
 - 2) دل راه در آن زلف گر هگیر ندارد / دیوانه ما طالع زنجیر ندارد O
 - 3) نیست در شهر نگاری که دل از ما ببرد / بختم ار یار شود رخم از اینجا ببرد O
 - 4) زمین از دلبران خالی است یا من چشم و دل سیرم / که می‌گردم ولی زلف پریشانی نمی‌بینم O
- * مفهوم بیت: «به جلوه‌های صنوبرقدان ز راه مرو / نگاهداری دل کن ز راه مرو!»، به کدام گزینه نزدیکتر است؟

- 1) تو و چشمتی که ز دلها گذرد مژگانش / من و دزدیده نگاهی که به مژگان نرسد! O
 - 2) خوشا دلی که مدام از پی نظر نرود / به هر درش که بخوانند بی‌خبر نرود O
 - 3) دنبال دل کمند نگاه کسی مباد / این برق در کمین گیاه کسی مباد! O
 - 4) بی محبت مگذران عمر عزیز خویش را / در بهاران عندلیب و در خزان پروانه باش! O
- * مفهوم کدام گزینه با بقیه ناهمگون است؟

- 1) قد نهال خم از بار منت ثمر است / ثمر قبول مکن سرو این گلستان باش! O
 - 2) گلعداری ز گلستان جهان ما را بس / زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس O
 - 3) سرافرازی آن را رسد در گلستان / که چون سرو دامن ز خود چیده باشد O
 - 4) مطلب آزدگان دست از دو عالم شستن است / همچو سرو از گلستان ما را لب جویی بس است O
- * مفهوم کلی بیت: «ز خارزار تعلق کشیده دامن باش / به هر چه می‌کشدت دل از آن گریزان باش!»، کدام است؟

- 1) سلوک باطنی O
- 2) شیفتگی و دلدادگی O
- 3) بی‌نیازی و استغنا O
- 4) گوشه‌گیری و انزواطلبی O

* مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- 1) در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو / عالم پر است از تو و خالی است جای تو O
 - 2) پنهان‌تر از آنی که توانت به نشان یافت / پیداتر از آنی که بپرسند نشانت O
 - 3) مژگان بگشایید و ببندید دهان را / آفاق پر از جلوه یار است ببینید! O
 - 4) نیست آسان بحر را در کوزه پنهان داشتن / عارفان را دل ز اسرار الهی می‌تپد O
- * کدام گزینه با بقیه متفاوت و ناهمگون است؟

- 1) چشم نرگس O
 - 2) چشم خراب O
 - 3) چشم خمار O
 - 4) چشم بیمار O
- * «زنگ افسوسی به دست خواجه هنگام رحیل / از شمار درهم و دینار می‌ماند به جا»، یعنی:

- 1) از تعلقات دنیا جز افسوس برای خواجه نمی‌ماند. O
- 2) خواجه افسوس می‌خورد که از سفر باز مانده است. O
- 3) خواجه آنقدر مشغول دنیا است که سفر را فراموش می‌کند. O
- 4) دنیا خواجه را از آخرت غافل می‌کند. O

* «پیراهن یوسف» با توجه به داستان یوسف در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- 1) جذب شوق اگر از جانب کنعان نرسد / بوی پیراهن یوسف به گریبان نرسد O
 - 2) هر کجا باشم به غیر از گوشه دل در جهان / گر همه پیراهن یوسف بود زندانی‌ام O
 - 3) نیست ممکن که به پیراهن یوسف نرسد / دیده هر که چو یعقوب غبار آلوده است O
 - 4) هر چه جز معشوق باشد پرده بیگانگی است / بوی یوسف را ز پیراهن شنیدن مشکل است O
- * بیت زیر را با در نظر گرفتن خصوصیات سبکی، شگردهای زبانی، تلمیحات و صنایع ادبی به طور کامل شرح دهید!

ب) بر سر گنج است پای من چو دیوار یتیم می‌شود معمور صائب هر که گردد بانام